

فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین

(نشریه علمی)

سال یازدهم - شماره دوم - تابستان ۱۴۰۰ - شماره پيوسته ۳۲

بازتاب مؤلفه‌های اقتصادی هویت اجتماعی در شعر بومی ممسنی (با تأکید بر

اشعار احمد انصاری فهلیانی) (ص ۱۰۹-۱۲۲)

عبدالمجید محقق<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول)، مجید نگین تاجی<sup>۲</sup>

20.1001.1.2345217.1400.11.2.6.1

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۱/۷

تاریخ دریافت: ۹۹/۷/۲۷

نوع مقاله: پژوهشی

### چکیده

شعر و ادبیات هر ملت، به عنوان یکی از شاخصه‌های اصلی فرهنگ و تمدن، می‌تواند آینه جامعه و تاریخ روزگار خود باشد. شعر گویشی لری ممسنی نیز به راحتی توانسته بسیاری از نشانه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی این قوم را، ترسیم نماید. مؤلفه‌های اقتصادی که از زیرمجموعه‌های مهم هویت اجتماعی یک ملت است، به دلیل نقش بسیار مهم و انکارناپذیری که در زیست معیشتی مردم ممسنی دارد، توانسته است به شکلی گسترده و واقعی، اما در پوششی ادبی، در شعر بومی بازتاب یابد و زوایای پنهانی از هویت اجتماعی این منطقه را واکاوی و تبیین نماید. این پژوهش با تأکید بر اشعار احمد انصاری فهلیانی، بر اساس انتخاب ابیات وابسته به مؤلفه‌های اقتصادی، همراه با آوانگاری و معنی فارسی آن‌ها، به تحلیل این عناصر بومی و نشان دادن جایگاه آن‌ها در شعر بومی ممسنی می‌پردازد.

کلمات کلیدی: هویت اجتماعی، مؤلفه اقتصادی، ممسنی. شعرگویشی، احمد انصاری.

<sup>۱</sup>. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.

Email: mohagheghiabdolmajid@yahoo.com

<sup>۲</sup>. دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.

Email :majid.negintaji@yahoo.com

## ۱. مقدمه

آثار هنری و ادبی، زاینده و مولود شرایط اجتماعی و تاریخی خاص خود هستند و ارتباطی عینی، ذاتی و بدیهی دارند: «آفرینندگان راستین آثار هنری، گروه‌های اجتماعی هستند و نه اشخاص منفرد» (گلدمن ۱۳۷۱: ۱۲)؛ به عبارتی دیگر، بعضی از جامعه‌شناسان حوزه هنر مثل آرنولد هاووز معتقدند که «برای درک آثار هنری، کافی است تا شرایط اقتصادی و اجتماعی محیطی را که اثر هنری در آن متولد شده است؛ بشناسیم» (راوودراد، ۱۴: ۱۳۸۲). چنانکه هربرت ریر در این باره می‌گوید: «هنر در تمام تلاش‌های اصلی خود می‌کوشد تا درباره جهان، انسان یا خود هنرمند توضیح دهد» (ریر ۲۰۰۵: ۱۳۵۲). همچنین، چون شاکله و هویت اصلی فرهنگ و تمدن هر قوم و ملت در ادبیات آن نمودار گشته است؛ لذا در کنار شناخت زیبایی‌های هنری کلام، سبک‌شناسی و جنبه‌های مختلف بیانی و بلاغی سخن ادبی، ضروری است که جهت شناسایی ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی هر ملت، به بررسی جنبه‌های جامعه‌شناختی و شناخت زوایای مختلف آثار ادبی آن نیز پرداخت. بر اساس این، نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی ادبی معتقدند که حل مشکلات زبانی و یافتن معنا و مفهوم دقیق عبارات و اصطلاحات ادبی نه تنها زمینه بررسی محتوایی اثر را فراهم می‌کند، بلکه شناخت پدیده‌های مختلف و تحولات فکری و ظهور اندیشه‌های گوناگون و تأثیر و تأثر آن‌ها در زندگی انسان‌ها و در نهایت روابط اجتماعی انسان‌ها را نیز تبیین و روشن می‌نماید (ر.ک: نوین و معصومی نبارق، ۲۰۱۳: ۲). این دانش کمک می‌کند تا «تصویر منظم و کامل از تحول جامعه به دست دهد و با شناختن و شناساندن جامعه و ویژگی‌های حیات اجتماعی و افزودن بر نگرش و دید علمی انسان‌ها درباره جامعه و سیر تکاملی آن، بر شناخت حرکت اجتماعی بیفزاید» (ترابی، ۴: ۱۳۷۶). بنا بر ملاحظات یاد شده، آثار ایدئولوژیکی، فلسفی، تاریخی، جامعه‌شناختی و شرایط اقتصادی - معیشتی را می‌توان از منظر ادبیات، مورد مطالعه و بررسی قرار داد.

شعر گویشی زیست‌بوم مسمنی از آن دسته آثار هنری - ادبی است که بخش مهمی از آن تحت تأثیر شرایط و شیوه‌های معیشتی و اقتصادی شکل گرفته است. در یک تقسیم‌بندی کلی، می‌توان گفت که عوامل اقتصادی در احراز هویت مشترک عبارتند از: «شیوه تولید اقتصادی، روابط تولید، سطح و نوع تولید، ابزار خاص تولید و امکانات تولیدی یک گروه بخصوص از انسان‌ها که در یک اقلیم مشخص تاریخی، زندگی کرده و می‌کنند. بسته به اینکه این گروه انسانی مفروض، از گذر یک جریان تاریخی، در هر یک از عوامل نامبرده، متأثر از چگونه نظامی بوده‌اند، دارای ویژگی‌های مشترکی می‌شوند، که این ویژگی‌ها، نوعی خاص از احساس مشترک و تعلق تاریخی را ایجاد می‌کنند» (راوودراد، ۱۴: ۱۳۸۲).

در سطح جزئی نیز محصولات کشاورزی، دامداری، باغداری، شکار، زنبورداری، خوشه‌چینی، هیزم‌فروشی، فروش و استفاده از گیاهان خوراکی و دارویی طبیعی، فروش و استفاده از میوه‌های

درختان طبیعی و متفرعات آن‌ها بخصوص بلوط و بن و بادام و کلخنگ و...، از جمله مهم‌ترین وابسته‌های اقتصادی‌ای هستند که به عنوان شیوه‌های تولید، با سطح و نوع متفاوت در بستر جغرافیایی خاص در احراز هویت اجتماعی مشترک نقش مهمی ایفا می‌کنند. شعرای بومی سرا در توصیفات گوناگون خود در قالب صور خیال، از این شیوه‌های تولید و ملازمات آن بهره گرفته تا به صورتی ملموس‌تر، تصاویر زیبایی بومی را که بیانگر بخشی از هویت اجتماعی هستند، به جامعه عرضه کنند. چنانکه آنان رمزها، نشانه‌ها و نمادهای فقر و ثروت، سادگی و پاکی، حرمت و مناعت، قناعت، عشق و امید، شادی و خوشبختی را از مؤلفه‌های اقتصادی و متفرعات آن برداشته، تصویری زیبا، بدیع و بکر ارائه می‌دهند. فهم عمیق چنین زیبایی‌هایی، شاید برای هر کسی ممکن نباشد؛ چرا که درک دقیق ظرافت‌های ادبی شعر بومی وابسته به اشراف کامل بر آن زبان است؛ بنابراین آشنایی با زبان بومی متأثر از این شیوه زیستی می‌تواند رازهای سحرانگیز نهفته در پس این واژه‌ها و ترکیبات و اصطلاحات را نشان دهد. شعر بومی به یمن برخورداری از این توانمندی‌ها، بسیار غنی است و علاوه بر بازنمایی این بخش از هویت اجتماعی، باعث مانایی و حفظ و حراست از این شیوه زندگی شده است. بی تردید آن روز که شیوه‌های جدید معیشتی، شیوه‌های قدیمی را مضمحل کند؛ تنها از رهگذر آثار ادبی ماندگار می‌توان بخش‌های مهمی از هویت اجتماعی مبتنی بر این مؤلفه‌ها را به خوبی دریافت.

این پژوهش، مؤلفه‌های کشاورزی، دامداری، زنبورداری و معیشت مبتنی بر مواهب طبیعی را تحلیلی ادبی می‌کند؛ زیرا بسیاری از ویژگی‌های اقتصادی، منابع درآمد و راه‌های برون‌رفت از تنگناهای معیشتی، تجارتي و معاملاتی مردم، در این گویش محلی انعکاس یافته است. بنابراین، هدف از نگارش این مقاله، بازتاب عناصر مؤثر در مؤلفه‌های اقتصادی - اجتماعی موجود در شعر بومی قوم لرممسنی با تکیه بر سروده‌های شاعر بنام این خطه، احمد انصاری فهلیانی (متولد ۱۳۴۳ ه. ش) اهل روستای فهلیان از توابع شهرستان ممسنی استان فارس است که بیشتر وقتش صرف مطالعه دیوان‌های شعر استادان ادب فارسی گشته و در همین راستا صدها شعر بلند و کوتاه از شاعران بزرگ در حافظه داشته و دارد. انصاری فهلیانی با واکاوی هویت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... به بازنمایی این مؤلفه‌های هویتی پرداخته، تا زنگ فراموشی را از چهره آن بزدايند و رنگ تازه‌ای بدان بخشند؛ از ایل و تبار، فرهنگ غنی نیاکان، طبیعت بکر و جغرافیایی که در آن نشو و نما نموده‌اند تا اقتصاد فعال به ارث‌مانده برای آنان از ناحیه گذشتگان و ابزار آن و غیره، هیچ موضوعی نمانده که مطمح نظر وی قرار نگرفته باشد. جغرافیای خاص، زبان ریشه‌دار و مستحکم لری، و فورکلمات و ترکیبات، عبارات و اصطلاحات و بکری صورخیال، کنایات کم‌نظیر و ضرب‌المثلهای ناب و غیرقابل ترجمه‌ای که در محیط زندگی شاعر فهلیانی جاری بود جز به زبان

بومی‌اش جان نمی‌گرفت. شعر وی به دلیل برخورداری از این ویژگی‌های قوی در میان بومی‌سرایان ایران، بخصوص در میان لرزبانان و مردم منطقه جنوب و جنوب غربی، مورد توجه محافل ادبی و هنری قرار گرفته و با استقبال وسیع مردم روبه‌رو شده است و تأثیر چشمگیری بر شاعران جوان بومی‌سرای لر گذاشته است. وجدان پاک انسانی، عشق به حقیقت و علاقه به ایران و فرهنگ قومی و بومی، از او هنرمندی کم‌نظیر و شاعری خردمند ساخته است. دلیل انتخاب سروده‌های وی در این پژوهش، بیشتر به سبب دارا بودن عنوان پرکارترین شاعر این خطه از نظر کمیّت و اشتهاش در سرودن اشعار محلی پربسامد با مضامین هویتی بومی و نیز برای این است که وی یکی از قله‌های شعر لری از نظر کیفیت بوده و تاکنون اشعارش در مجامع علمی و ادبی، کمتر مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

### ۱-۱. روش اجرای پژوهش

این پژوهش، بر پایه روش‌شناسی کیفی است. نمونه پژوهش حاضر بر اساس نمونه‌گیری هدفمند و غیرتصادفی انتخاب شده است؛ یعنی انتخاب نمونه‌ها بستگی به اهداف تحقیق دارد. بدین منظور، تحقیق حاضر با مطالعه شعر گویشی - بومی احمد انصاری فهلیانی (از کانال تلگرامی ایشان) موارد بازتاب‌دهنده مؤلفه‌های اقتصادی را کشف و تحلیل می‌کند. برای تحلیل و درک عمیق‌تر داده‌ها، از روش تماتیک استفاده می‌شود. «این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند» (مهری و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۱).

در مورد شیوه بررسی و تحلیل، ابیات متناسب با مؤلفه‌های مهم اقتصادی مشخص شده، سپس توضیحی کوتاه بر چسبیتی و چگونگی کارکرد آن مؤلفه‌ها همراه با تحلیلی مختصر از ابیات ارایه شده است. در رسم‌الخط نوشتاری بعضی ابیات، برای خوانش راحت‌تر حرکت‌گذاری شده و در ادامه، فنوتیک ابیات به شیوه آوانگاری بین‌المللی بعد از هر بیت آمده است. اولین ارجاع داخل متن (انصاری، ۱۳۹۶) تاریخ راه‌اندازی کانال سروده‌های احمد انصاری فهلیانی در پیام‌رسان عمومی تلگرام با عنوان: (تربی حسنو) به نشانی ([https://telegram.me/ahmad\\_ansarifahliani](https://telegram.me/ahmad_ansarifahliani)، 1396) است که در سال ۱۳۹۶ راه‌اندازی شده و تقریباً بیشتر شعرهایش را که در طول چند دهه گذشته سروده، در این کانال بارگذاری نموده است. از آن جا که اثر مکتوب قابل تأملی از سروده‌های وی در دست نبوده، تمام شعرهای موجود در این پژوهش از طریق این کانال انتخاب شده و مفاهیم، کارکرد و دلالت‌های هویتی آن‌ها در بازتاب عناصر اقتصادی بررسی شده است.

## ۲. بحث و بررسی

### ۲-۱. مولفه اقتصادی مبتنی بر کشاورزی

کشاورزی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اقتصادی این زیست‌بوم بوده و تاکنون نیز این جایگاه را حفظ کرده است. کشت گندم و برنج، حبوبات و صیفی‌جات و باغداری، از ارکان مهم گذران معیشت مردم بوده است. هر چند در شعر، همه عناصر معیشتی بسامد یکسانی نداشته؛ اما صورت‌های گوناگون ادبی این مؤلفه‌ها در شعر بومی بازنمایانده شده است.

#### ۲-۱-۱. گندم

بیشترین محصول کشاورزی منطقه، گندم است که هم به صورت آبی در جلگه‌ها و هم به صورت دیم در مناطق کم‌آب و کوهستانی کشت می‌شود. مصرف این محصول به شکل بلال قبل از درو و نان بعد از آسیاب، سهم مهم و بی‌جایگزینی در سبب خوراکی خانواده داشته است. این سهم به همین نسبت در شعر بومی نیز نمایان است. چنانکه در ۳۰ بیت از سروده‌های احمد انصاری - تربی حسنو - گندم و متعلقات آن اعم از نون، بلال، خوشه، خرمن، آخون، کلور، مشتک و چونه خمیر استفاده شده است.

وقتی بر اثر باران‌های ناگهانی بهاره، سیل کشتزار گندم را در می‌نوردید؛ امید کشاورزان کمرنگ می‌شد و غمی سنگین بر دلشان می‌نشست و شادی و آرامش از دل‌هایشان رخت بر می‌بست؛

خرمن گندم او برده دوتا رنج نداشت      کیچه باغ دل مو سایه نارنج نداشت (انصاری، ۱۳۹۶)

xarmane gandome aow borda dotā renj nađāšt/kiča bāye dele mo sāyaye nārenj nađāšt

برگردان: خرمن گندم سیل زده یک مشت گندم بیشتر نداشت؛ کوچه باغ دل من هم سایه نارنج نداشت.

#### ۲-۱-۱-۲. نان گندم

نان، مایه زندگی و شادی و خوشحالی بود. اجاق نان‌پزی، دلخوشی و وحدت و همدلی می‌آورد. هر کسی که نان داشت ثروتمند بود. بوی خوش نان، عطر مستی می‌آورد. دل شاعر برای آن روزها که مادرش با چند زن همسایه در روستا دور هم برای پخت نان جمع می‌شدند و با صفا و صمیمیتی زایدالوصف، نان تیری روی تابه‌ها پهن می‌کردند تنگ گشته و با یادآوری این رسم محلی، بغضی غریب، گلویش را گرفته است:

دی مو قربون تش و تاوه و تیرت وایم      دی نه ترکم بکنی نیشهه دیرت وایم (همان)

dai moğorbune tašo tāva vo tīret vābam/dai na tarkom bokoni nišahe diret vābam

برگردان: مادر! من فدای آتش و تابه و تیرت (چوب نان پختن) شوم، ترکم نکن که نمی‌توانم از تو دور شوم.

یاد او لحظه که با یک تش و تاوه ای کردیم سی دوتا چونۀ مشتک تش و تاوه ای کردیم (همان)  
yāde u lahza ke bā yak taš o tāvai kerdim/si do tā čunaye moštak taš,o tāvai kerdim  
برگردان: یاد آن لحظه‌ای که برای پختن دو تا مشتک، با هم آتش و تابه را راه می‌انداختیم.

## ۲-۱-۲. برنج کاری

محصول دیگر کشاورزی زیست‌بوم ممسنی برنج است که در اواخر بهار و اوایل تابستان کشت می‌شود. برنج کاری که به کلک (kalak) معروف است، کاری سخت و طاقت‌فرسا است و در زمین‌هایی که دسترسی به آب مداوم دارد کشت می‌شود. برنج به اندازه گندم در سید غذایی گذشتگان حضور نداشته، هرچند در سال‌های اخیر به خاطر خشکسالی، کشت کمتری صورت می‌گیرد؛ اما نقش آن در اقتصاد جلگه ممسنی در درجه اول است. برنج غیر از مصارف خانگی، محصولی برای فروش بود. حتی رسم پیش فروش برنج نقش مهمی در گذران اقتصاد خانواده‌ها داشت. مردم بومی ممسنی در طول سال، مایحتاج خود را از مغازه‌ها می‌گرفتند و در هنگام برداشت، با دادن برنج و یا صورت شلتوک (برنج با پوسته و سبوس‌دار) بازپرداخت می‌شد. اگر کسی مزرعه برنج (شالیزار) داشت، مغازه‌دارها در طول سال به او قرض می‌دادند و مجبور نمی‌گشت که دستش را پیش دیگران دراز نماید. سر و وضعش بهتر بود و به قول عامه «پشتش پُر» بود. داشتن شالیزار، حاکی از سرمایه‌داری بود و میزان سنجش پایگاه اقتصادی افراد به حساب می‌آمد.

## ۲-۱-۲. کلک کردن (نشاء کاری)

کلک و خوشه کنی تا که بسا لخت نبو؟ تا که سیلش من دهس کسی آمخت نبو؟ (همان)  
kalak o xuša koni ta ke basā loxt nabu/tā ke saileš mene dahse kasi āmoxt nabu  
برگردان: [مادر!] تو کلک و خوشه چینی می‌کنی تا فرزندت لخت نباشد و عادت نکند، [برای کمک دیگران به وی] نگاهش به دست همچون خودی باشد.  
برنج و متعلقات آن؛ یعنی چلتیک، گمک، گهل، گرک، لاس، پهلوی، بوش، سه پهر، کرته، شل، کنهتر، لگدره، شلبر و بله لوس، در ۴۶ بیت از سروده‌های شاعر به چشم می‌خورد.

## ۲-۲. اقتصاد مبتنی بر دامداری

تا پیش از ورود به جلگه‌ها و آباد کردن زمین‌های ناهموار و بیشه‌ای در دشت و کوه و جلگه، مهم‌ترین منبع معیشت مردم از راه دامداری و دامپروری بوده که بعد از اصلاح زمین و ایجاد بستر مناسب برای کشاورزی، به تدریج از دامداری در جلگه‌ها کم شد؛ اما هیچ‌گاه از میان نرفت و هنوز در مناطق کوهستانی، دامداری جایگاه خود را به عنوان مهمترین منبع درآمد حفظ کرده است. از میان انواع دام‌ها در زیست‌بوم ممسنی، گاو و گوسفند به عنوان پایه‌های اقتصاد و منبع درآمد، بیشتر از دیگر دام‌ها ارزش و اهمیت داشته و دارد و به همین دلیل در شعر بومی، از بسامد بالایی برخوردار است.

### ۲-۲-۱. گاو

ماده‌گاوهای شیری از منابع مهم درآمد بوده‌اند. پستان‌های بزرگ و پرشیرشان نشانه زایش قریب‌الوقوع و خبری خوش برای صاحب گاو و همچنین همسایه‌ها بود، به این امید که سهم آغوزشان خواهد رسید.

### الف) ماده‌گاو آبستن، پیام‌آور برکت و شادی

ماده‌گاوها نقش عمده‌ای در تأمین معیشت داشتند. شیر و فرآورده‌های آن‌ها از یک طرف و تولید مثل‌شان از طرف دیگر، می‌توانست سرمایه بالقوه‌ای برای آینده باشد. گوساله‌های نرشان به‌زودی به اندازه یک مرد در امور کشاورزی سهم می‌بردند و گوساله‌های ماده نوید زایش‌های آینده را می‌دادند. گاه یک گاو، نان چند خانواده را می‌داد و نشانه‌های فقر و بدبختی و فلاکت را از چهره‌آبادی می‌زدود:

همه بی، هیشکه نبی / او وه من بُشکه نبی / شهر مهلی گپویی بی که نزدیک کوه بی / مِث ای شهر  
خُمون، پُر بی یه گی وه گُلون (همان)

hama bi hiška nabi/ aow ve mene boška nabi/ šahre mahli gapuyi bi ke nezike koh  
bi/ mesle ei šahre xomo, por b ava gai va golun

برگردان: همه بودند و هیچکس نبود / آب درون بشکه‌ها نبود / شهر بزرگی بود که نزدیک کوه بود /  
مانند این شهر خودمان / پر بود از گاوهای آبستن.

### ب) گاو نان‌آور خانواده

فقر بدبختی فلاکت سر کشیده تا خدا یاد دوره نون چنتا حونه نه ایدا گارشی (همان)

fağr badbaxti falākat sar kašide ta xodā/yāde dowrai nune čantā huna naidā gāraši

برگردان: فقر و بدبختی و فلاکت تا آسمان بالا رفته است؛ یاد آن روزگار که گاو سفید خالدار نان چند خانواده را می‌داد.

۱-۲-۲-۱. ورزا

ورزا یا گاو نر در امور کشاورزی نقش بسیار مهمی داشته است. شخم‌زدن زمین‌های کشاورزی بدون داشتن گاو نر ممکن نبود. ورزا نه تنها در فصل کاشت که در امور برداشت به‌مثابه خرمن‌کوب و در کوچ به عنوان باربری قوی در درجه اول اهمیت قرار داشت. در امور شالی‌کاری، هر گاو نر به اندازه یک مرد کاری سهم داشت:

۱-۲-۲-۱-۱. ورزا نماد قدرت مالی و تمکن فرد

برای نشان‌دادن دارایی فرد گاوهایش را می‌شمردند. کسی که ورزا داشت همه افراد روستا هوایش را داشتند و حالش را می‌پرسیدند. وقتی می‌گفتند: «فلانی چه جفت ورزا دم‌هونه شه» تعبیری از ثروت و مکنت بود.

ورزی رشم زر مال افتاسه وه من بند کس نی فلانی وت بگو حالو خرت چند؟ (همان)

varzai rašom zer māl oftāse va men band/kas ni folāni vat bego hālu xaret čand?

برگردان: ورزای خالدارم زیر ده به بند افتاده است [دارد می‌میرد] ای دوست! کسی نیست که پیرسد ای فلانی خرت را چند می‌فروشی. (کنایه از این که وقتی گاو نداری، برای کسی مهم نیستی و کسی حالت را نمی‌پرسد).

۲-۲-۲. گوسفند

در زندگی مبتنی بر دامداری، فروش گوسفند و استفاده از فرآورده‌هایش بخش اعظمی از بار اقتصاد خانواده را به دوش می‌کشید. شیر و ماست و دوغ و کره، خوراک مرسوم و معمول بود که علاوه بر منبع غذایی، فروش آن‌ها مایحتاج سالانه خانواده دامدار را نیز تأمین می‌کرد. از گوسفندان علاوه بر فرآورده‌های لبنی، گوشت و پوست و مویشان نیز منبع درآمد بود. گوشتشان به عنوان غذا، پوستشان برای ساختن انواع مشک و دلو و زیرانداز، و مو و پشمشان برای بافتن قالی و گلیم و جاجیم و... سامان‌دهی فرآورده‌های لبنی، دوشیدن شیر، جوشاندن، ماست‌بندی، دوغ‌زدن، کره‌گرفتن و... همه بر دوش زنان و دختران ایل بوده است:

لک زده دل سی درنگی ایله بار سی کره سر دو و سی شیر و نکار (همان)

lak zađe del si dorogai eila bār/ Si karai sar du vo si širo nekār



برگردان: دلم برای صدای درای کوچ ایل تنگ شده، برای کره روی دوغ [تازه] و برای شیر و چوب «نکار».

دام؛ یعنی بز، میش، قوچ، کهره، بره، چپش، ورزا، گاو، شیروهره، چپش، نکار، کرچال، دابر، تری، الوس، سیسار، گله، کره، دو، سرشیر، شیر و لویی، ۴۱ بیت از اشعار احمد انصاری- تری حسنو- را از آن خود کرده است.

## ۲-۴. اقتصاد مبتنی بر مواهب طبیعی

بی‌تردید در روزگاران نخستین، طبیعت به عنوان موهبت الهی، اولین و مهم‌ترین منبع معیشت بشری بوده و انسان از این موهبت بهره برده و پس از طی روزگاران به این‌جا رسیده است. کوه‌ها و دشت‌ها و دریاها با گونه‌های زیستی حیوانی و گیاهی‌اشان نان، گوشت، میوه، دارو، پوشاک و سرپناه... به انسان هدیه دادند. در ایران نیز این گونه بوده است. نقش طبیعت زاگرس نه تنها در گذشته که در روزگار کنونی نیز به عنوان بستر طبیعی این موهبت‌ها مهم و مؤثر بوده است. درخت و گیاه و حیوان، تمام ملزومات زندگی را برای انسان با خود همراه داشته است. درختان، گیاهان و حیواناتی که میوه و برگ، تته و ساقه و گوشت و پوستشان در خدمت انسان قرار گرفت تا زنده بماند و زندگی کند و روبه آینده گام بردارد. هنوز هم بخشی از اقتصاد زیست‌بوم ممسنی، نه به اندازه گذشته، ولی تا حدودی متأثر از این مواهب طبیعی است:

### ۲-۴-۱. درختان

در این زیست‌بوم، هر درخت سهمی در سبد معاش منطقه ممسنی داشته و بخشی از نیازهای اقتصادی ساکنان آن را تأمین می‌کرده است. بلوط، بن، بادام، کلخنگ، کنار، نارنج و انگور و انار، هم با میوه‌هایشان و هم با شاخ و برگ و بار و هیزمشان در زندگی مردم نقش داشته‌اند. گاه درختانی مثل بلوط، انگور و انار با فراورده‌های خود نقش مهمتری را ایفا می‌نموده‌اند.

### الف) بلوط و بن و بادام

میوه خام و برگ سبز آن به عنوان غذای حیوانات، آسیاب‌شده آن برای پختن نان (کلیگ)، رنده شده پوست دوم آن (جفت) برای پروراندن مشک و دلو و خیک و مشکول و دارویی بسیار مهم در بهبود دستگاه گوارش، تته و ساقه و برگ آن در ساخت خانه و کپر و ایجاد نور و گرما در خدمت زندگی بوده است.

الف) بن (از خانواده پسته‌ها) و بادام با همان ویژگی‌های بلوط در تنه و ساقه و برگ، با میوه‌های بسیار خوشمزه؛ هم به عنوان تنقلات و هم ماده اصلی بعضی از غذاهای بومی بوده و از جایگاه فروش آن‌ها نیز درآمد خوبی کسب می‌شده است:

مو که چن ساله پس کولمه تریه حسنو صد ولا رهتمه سی بایم و بن بی حسنو

mo ke čan sāle pase kuleme torbai hasanu/sad velā rahteme si bādomo ban bai hasanu

برگردان: من که چندین سال است توبره فقیری حسنو را بر دوش دارم؛ صدها بار با حسنو برای آوردن بادام و بن همس سفر شده ام.

### ب) بلوط

سال‌های پرباران، میوه‌های بلوط بزرگ‌تر می‌شدند. هر چه این میوه‌ها بزرگ‌تر بود، شکوفه امید به قدوم سالی نکوتر و پرمحصول‌تر در دل‌ها جوانه می‌زد؛

گل لاله و بساده بی پشته پشت بلی دونه ش ایبی قرنیدی یه مشت (همان)

gole lāla vaisāda bi pošta poš/bali dunaša ibi ġarandai ya mošt

برگردان: گل لاله پشت به هم زده و ایستاده بود و دانه‌های بلوط به درشتی یک مشت شده بود.

### ۲-۴-۱-۴. هیزم

درخت، هم با زندگی‌اش زندگی می‌بخشد و هم با مرگش؛ هیزم، از تنه و شاخه خشک درخت است. یکی از راه‌های گذران معیشت، هیزم‌فروشی بوده است. معمولاً افراد فقیرتر که منابع اقتصادی چندانی نداشتند قبل از سپیده صبح به کوه می‌زده، شاخه‌ها و تنه‌های خشک درختان را می‌بریدند و می‌شکستند و جمع می‌کردند، می‌آوردند و می‌فروختند تا نان زندگی را فراهم کنند.

حسنو ایزه و گه / ایشکنا هیمل خرد و دُرشت

هیمه نه ایدا و علی خان و دوتا نون ایسه

نون ایدا و بوی پیرش وُخس ایزه وه در(همان)

hasanu eiza va koh /Eiškanā himayale xord o dorošt,

hima na eidā va alixāno do tā nun eisa

nuna eidā va bavai pireš o xoš eiza va dar

برگردان: حسنو به کوه می‌زد/هیزم‌های کوچک و بزرگ را می‌شکست/هیزم‌ها را به علی خان می‌داد و دوتا نان می‌گرفت/نان را به پدر پیرش می‌داد و خودش بیرون می‌زد.

درخت، انواع و متعلقات آن؛ یعنی دار، نار، انگور، کشمش، شراب، نارنج، دبه، خرما، خارک، کیکاب، مویز، رطب، لیمو، بادووم و رز، در ۵۵ بیت و مواهب طبیعی مثل بلی، بن، بادم، کلخنگ، کرتل، کهنیر، کنار، کلگ، باوینه، ریواس، خاری، سوزه، گل گاوزبون، اوریشوم، نعنا، چیچک، پیدن، در ۶۲ بیت از سروده‌های انصاری به کار رفته و پربسامدترین کاربرد را دارد.

## ۲-۵. اقتصاد مبتنی گیاهان دارویی و خوراکی

گیاهان به دو شکل دارویی و خوراکی از منابع مهم اقتصادی و معیشتی بوده‌اند. هم مصرف داخلی داشته و هم با پول فروش آن، ملزومات زندگی را فراهم می‌کردند و گاه این درآمد آنقدر بالا بوده که شغلی پرمفعت محسوب می‌شده است و البته این روند همچنان ادامه دارد. رواج روزافزون طب سنتی و سفارشهای روزمره بر استفاده از غذاها و داروهای طبیعی حاکی از اهمیت بالای این منابع مهم اقتصادی است. این موهبت الهی در بستر طبیعت به انسان هدیه شده است. این گیاهان خوش طعم و خوشبو، هم چاشنی خوراک جسم بوده‌اند و هم چاشنی شعر که غذای روح است. باوینه (باوینه)، پیدن (پونه)، خاری (گل خار)، اوریشم (آویشن)، باده (نوعی سبزی کوهی)، گل گاوزبان، غاچ (قارچ)، دمبیل (نوعی قارچ)، مُلو (سیر وحشی) نعنا، چیچک (نوعی سبزی وحشی) ریواس، سوتک (ریشه نی)، لیزک (سیر کوهی)، لمبون (لویی) از گیاهان و بوته‌هایی هستند که بیشترین بسامد را در شعر بومی داشته‌اند و در این پژوهش به برخی از آنها بسنده می‌کنیم.

### ۲-۵-۱. خاری و باده و آویشن

خاری و باده و اوریشم کوه سر دوته از دنا تا مله بادو یه قدم کشکوته (همان)

xāri yo bāda vo aowrišome koh sar dute/az denā tā mela bādu ya gaḍam koškute

برگردان: [در توصیف معشوق می‌گوید: خاری و باده و آویشن کوهی چاشنی دوغ تو هستند.] همه چیز خوب و روبه راه است. آن قدر بزرگ و توانا هستی که [از کوه دنا در بویراحمد تا گردنه بادگیر ممسنی یک گام کوچک توست.

### ۲-۵-۲. سوزی و باوینه

سوزی (سبزی) و باوینه، به عنوان منابع درآمد بومی آن قدر عزیز هستند که دست‌مایه شاعر برای استعاره از آدم‌های بزرگ و عزیز می‌شوند:

تا گل و سوزی و باوینه عزیزن تی دل خار و خارشتر و خرزلهه امیرا نیبو (همان)

tā gol o sowzi yo bāvina azizen tai del/xār o xāroštor o xarzahla amir ā nibu

برگردان: تا زمانی که گل و سبزی و بابونه عزیز دل هستند خار و خراشتر و خرزهره بزرگ نخواهند شد.

## ۲-۵-۳. اوشم و ریواس و خاری (آویشن و ریواس و گل خار)

نم طیف بارون بهاری حالم ایده بو اوشم و ریواس و خاری حالم ایده (همان)

nam tife barune bahāri hālam eiðe/bu aowšom o rivās o xāri hālam eiðe.

برگردان: نم نم باران بهاری و بوی خوش آویشن و ریواس و گل خار حال تازه‌ای به آدم می‌دهد.

## ۲-۵-۴. غاچ و دمبیل و ملو (قارچ، قارچ کوهی و سیر کوهی)

قارچ و دمبیل و سیرکوهی نیز جزو سبد اقتصادی خانواده‌ها بوده و بخشی از هویت اقتصادی آنان را به یاد می‌آورند:

تا نگن کر غره واییده بهو من گل و شل وازنیمون بلی و بایمه سر جی کره‌تل

تا بییچه من ده مٹ نها ساز و دهل غاچ و دمبیل و ملو سر بکشن تا سر تل (همان)

tā nagon kor γara vāðide yahow men gel o šol/vāzanimun bali yo bāðom a sar jai karatol

tā bepiçe mene deh mese nahā sāzo dohol/ γāč o dombil o molu sar bekašen tā sare tol

برگردان: تا مانند گذشته صدای ساز و دهل در آبادی بییچد و قارچ و دمبیل و سیرکوهی همه جا را بگیرند. تا نگویند که مرد در گل و لای گیر کرده، [برخیزید] تا بلوط و بادام را به جای کره‌تل (انجیر کوهی) بی‌مصرف بکاریم.

## ۲-۶. اقتصاد مبتنی بر شکار

در گذشته شکار حیوانات حلال گوشت (شکال) و پرندگان به خاطر نیاز به گوشت و پوست آن‌ها بوده است؛ چراکه کشاورزی و دامداری برای همگان میسر نگشته و به دست آوردن گوشت به عنوان اساسی‌ترین پایه غذای انسانی برای همگان ممکن نبوده است. شکار بز و میش کوهی و کبگ و تیهو بسیار رواج داشته است. رفته‌رفته این نیاز اقتصادی جنبه تجاری گرفت و نهایتاً به عنوان تفریح، آسیمی بسیار جدی به حیات وحش رساند. در روزگار فراوانی شکار، شکارچی در میان مردم ایل جایگاه خوبی داشت. رسم بوده که وقتی شکارچی از شکار برمی‌گشت سهمی هم به همسایه‌ها و یا اولین کسی که با او روبرو می‌شد، می‌داده است. در واقع نه تنها خانواده شکارچی که دیگران هم منتظر برگشت او از شکار بودند:

نونت همیشه نم بو، سفره توده رقم بو      یعنی و فکر مم بو، هرگی زدی شکالی (همان)

nunet hamiša nam bu sofrai to dah reğam bu/ya,ni va fekre mam bu har gai zadi šekāli

برگردان: الهی نانت همیشه نرم و نم‌زده و سفره‌ات پر از ده رقم خوردنی باشد. یعنی وقتی شکار کرده‌ای و بر می‌گرددی به فکر من هم باش [سهم من فراموش نشود].

شکار مثل قوچ، کوگ، تهی، پازن، شکال، هوبره، کموتر و آهو، در ۱۴ بیت از مجموعه‌سروده‌های احمد انصاری-تربی حسنو- ملاحظه شده است. (برای مطالعه بیشتر به نشانی [https://telegram.me/ahmad\\_ansarifahlani,1396](https://telegram.me/ahmad_ansarifahlani,1396) مراجعه شود).

### ۳. نتیجه‌گیری

مؤلفه‌های اقتصادی؛ از شاخه‌های مهم هویت اجتماعی است که مانند سایر مؤلفه‌ها نقش مؤثری در ساختار هویتی اقوام دارد. جغرافیای زیستی از عوامل مؤثر در ساختار این نوع مؤلفه است. از آن جا که اقتصاد و معیشت اقوام، متناسب با محیط زندگی آن‌ها شکل می‌گیرد، می‌تواند بر ساختار مؤلفه‌های دیگر از جمله فرهنگی، دینی و تاریخی نیز تأثیر بگذارد. این پژوهش که مؤلفه‌های اقتصادی از جمله کشاورزی، دامداری، زبورداری و معیشت مبتنی بر مواهب طبیعی را تحلیلی ادبی می‌کند؛ در صدد ارائه این خط مشی است که بسیاری از ویژگی‌های اقتصادی، منابع درآمد و راه‌های برون‌رفت از تنگناهای معیشتی، تجارتی و معاملاتی مردم - که در این گویش محلی بازتاب یافته - می‌تواند در سطح وسیع‌تری در شعر و ادبیات، به عنوان یک عنصر مهم فرهنگی، نشان‌دهنده پیوند عمیق ادبیات بومی با مؤلفه‌های اقتصادی خویش باشد.

احمد انصاری، شاعر بومی ممسنی، با احساس مسئولیت در برابر بخشی از کارکردهای نادرست مدرنیته در برابر سنت و تعهد و احساس مسئولیت در برابر این هجمه‌های مدرنیسم مقاومت نموده، به بازنمایی عناصر و ابعاد متعلق به مؤلفه‌های اقتصادی پرداخته است و تا حدود زیادی در شناخت این مؤلفه‌ها به نسل جدید کمک کرده و تا حدی باعث حفظ و اعتلای این بخش از هویت اجتماعی قوم لر گردیده است.

بازتاب گسترده این اشعار در جامعه و استقبال نسل جوان از خواندن و به خاطر سپردن این اشعار، نشانه موفقیت این کارکرد شعر بومی در پاسداشت هویت اجتماعی قوم ممسنی بوده است.

### منابع

۱- ترابی، علی اکبر. (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی ادبیات، چاپ سوم، تبریز: انتشارات فروغ آزاد.

۱۲۲ فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین، دوره ۱۱، شماره ۲، پیاپی ۳۲، تابستان ۱۴۰۰

۲- راودراد، اعظم. (۱۳۸۲). نظریه‌های جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

۳- ریر، هربرت. (۱۳۵۲). هنر و اجتماع، ترجمه سروش حبیبی، چاپ اول، تهران: امیر کبیر.

۴- گلدمن، لوسین. (۱۳۷۱). جامعه‌شناسی ادبیات، ترجمه محمد جعفر پوینده، چاپ اول، تهران: انتشارات هوش و ابتکار.

۵- مهری، کریم؛ یزدخواستی، بهجت؛ پناهی، محمدحسین. (۱۳۹۳). سیاست‌گذاری قومی مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری، دو فصلنامه قدرت نرم، سال ۴، شماره ۱۰، صص ۹۸ - ۷۵.

۶- نوین، حسین؛ معصومی نیارق، یاسمن. (۱۳۸۹). «بازتاب اوضاع اقتصادی در ادبیات دوره تیموری (بر

مبنای دیوان اشعار کمال خجندی، نعمت الله ولی، قاسم انوار، عبدالرحمن جامی، امیرپازواری و شمس

مغربی)»، دو فصلنامه تاریخ ادبیات، سال ۲، شماره ۱، پیاپی ۶۴، صص ۲۱۹-۲۴۲.

کانال تلگرامی

۱. انصاری، احمد. (۱۳۹۶). [https://telegram.me/ahmad\\_ansarifahlani1396](https://telegram.me/ahmad_ansarifahlani1396)